



شماره ثبت: ۳۱۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مستثنیات.....
۲	مرور گذشته.....
۲	دلیل سوم شیخ (ره): روایات.....
۲	روایت اول.....
۳	تأثیر قصد در حکم.....
۳	نکته مهم.....
۳	تکرار روایت از زبان ائمه دیگر.....
۳	روایت از امام موسی بن جعفر (ع).....
۴	روایاتی از امام جعفر صادق (ع).....
۵	جمع بندی.....
۵	روایت دوم از استدالات شیخ.....
۶	روایت از لحاظ سندی.....
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۶	۱. معنای کفارہ در روایت.....



شماره ثبت: ۳۱۸۹

تولی من قبل الجائر

مستثنیات

مرور گذشته

مرحوم شیخ (ره) دو استثنا را ذکر کرده‌اند:

۱. تولی برای مصالح عباد

این مصالح عباد دو درجه دارد:

۱. دفع خطر و ضرر از مؤمنین

۲. درجه عام‌تر به معنای تأمین مصلحت

مرحوم شیخ (ره) هر دو را تحت یک عنوان آورده‌اند. این دو موضوع ملاک‌های متفاوتی دارد. ادله‌ی عامه را بررسی کردیم. از آیات نیز داستان حضرت یوسف (ع) را آوردیم.

دلیل سوم شیخ (ره): روایات

روایت اول

اکنون روایات را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اولین روایت از باب ۴۶ ابواب ما یکتسب به است. این روایت را بررسی کردیم و هفت عنوان را مورد بررسی قرار دادیم.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَعَ السُّلْطَانِ أَوْلِيَاءَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ.»^۱

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۲



شماره ثبت: ۳۱۸۹

این روایت سنداً معتبر است. در مورد دلالت نیز چندین نکته را عرض کردیم. نکته‌ی دیگری را نیز در این باب عرض خواهیم کرد.

تأثیر قصد در حکم

از ادله‌ی قبل، استنباط شد که تولی از قبل جائر در دفع ضرر جایز است. این حکم وجوب و یا حکم دیگری را به‌جز وجوب استفاده نمی‌شد. از سویی این حکم فقط برای مؤمنین بود.

دفع خطر از اولیاء و مؤمنین که استثنا برای جواز ورود به ستمگران است، قصد است یا خیر؟

در اینجا واضح است که عنوان قصد مطرح نیست. همین که کسی در دستگاه ظلم و جور وجود دارد و حضورش باعث دفع خطر می‌شود، ورود وی جایز است. البته ممکن است کسی بگوید، چیزی که جایز است این است که با قصد و نیت این‌چنینی وارد دستگاه بشود.

احتمال اول این است که به‌مجرد اینکه وی دفع خطر می‌کند، امر جایز می‌شود ولو اینکه برای این نیت وارد دستگاه نشده است. احتمال دوم این است که زمانی به تولی مجوز داده می‌شود که با قصد و نیت کمک به عباد به دربار رفته باشد.

احتمال سوم این است که جمع بین دو احتمال باشد. یعنی هم قصد کمک کرده باشد و هم عمل کمک را انجام بدهد. اظهر احتمال اول است.

نکته مهم

دفع اتفاقی است. چیزی که لازمه‌ی دفع است جایز می‌شود. ممکن است کسی چند سال در دستگاه باشد تا بتواند از مؤمنین دفع خطر بکند. نمی‌توانیم بگوییم به‌محض ورود، می‌تواند دفع خطر بکند.

از طرفی ممکن است کسی نداند که با کار وی، دفع خطر از مؤمنین می‌شود، همین تجویز است.

تکرار روایت از زبان ائمه دیگر

نکته بعدی این است که جمله «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَعَ السُّلْطَانِ أَوْلِيَاءَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ» دو سند دارد. یک سند در من لا یحضر است که سند درستی است. سندی نیز که در کافی است از مرسله ابن ابی عمیر است. این سند محل بحث است.

روایت از امام موسی بن جعفر (ع)



شماره ثبت: ۳۱۸۹

این روایت از سه معصوم (علیهم السلام) نقل شده است. همین روایت دو بار از موسی بن جعفر (ع) نقل شده است و روایت دیگری با همین شکل و منطوق از امام رضا (ع) ذکر شده است. این روایت در مقنع مرحوم مفید (ره) است. همین روایت با همین کلمات از امام موسی بن جعفر در مستدرک الوسائل نیز ذکر شده است. این روایت مرحوم شیخ مفید از برقی نقل می‌کند.

« وَ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع فِي الْخُرُوجِ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ فَأَجَابَهُ إِنِّي لَا أَرَى لَكَ الْخُرُوجَ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَبْوَابِ الْجَبَابِرَةِ مَنْ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَ هُمْ عَتَقَاؤُهُ مِنَ النَّارِ فَاتَّقِ اللَّهَ فِي إِخْوَانِكَ أَوْ كَمَا قَالَ. »^۱

در این روایت علی بن یقطین برای امام (ع) نوشته است که: آیا شما اجازه می‌دهید من از دستگاه هارون بیرون بیایم؟ امام در اینجا امام می‌فرماید: نه، خارج نشو.

سند این روایت، تام نیست.

روایاتی از امام جعفر صادق (ع)

روایتی که برای از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است به شرح زیر است:

« وَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مَنْ يَدْفَعُ اللَّهُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ أَوْفَرُ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ. »^۲

این روایت هم تقطیع سند دارد و هم کتاب معتبر نیست.

این روایت نیز همان مضمون است. فقط با تعبیر دیگری وارد شده است.

روایت دیگری نیز از امام صادق (ع) وارد شده است، البته سند تامی ندارد:

^۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳۱

^۲ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳۶



شماره ثبت: ۳۱۸۹

« وَ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَغْيَيْنَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: مَا مِنْ دَوْلَةٍ يَتَدَاوُلُ مِنَ الدُّوَلِ إِلَّا وَ لَنَا وَ لِأَوْلِيَائِنَا فِيهَا نَاصِرٌ يَتَقَرَّبُونَ إِلَيْهِ بِحَوَائِجِهِمْ فَإِنْ كَانَ فِيهَا مُسْرِعاً كَانَ لَنَا وَلِيّاً مِنَ السُّلْطَانِ بَرِيئاً وَ إِنْ كَانَ فِيهَا مُتَوَانِياً كَانَ مِنَّا بَرِيئاً وَ لِلْسُّلْطَانِ وَلِيّاً. »^۱

ایشان نیز همین مضمون را با تعابیر دیگری بیان کرده‌اند.

ما در این مبحث چند روایت داریم، که تماماً مضمون‌های مشترک دارند و فقط در تعابیر متفاوت‌اند. روایت علی بن یقطين دلالت بر وجوب دارد و بقیه روایات بیش از جواز دلالت نمی‌کنند.

جمع‌بندی

روایتی که شیخ استدلال کرده‌اند، از لحاظ سند معتبر است و دلالتاً نیز با توجه به مطلقاتی که جواز نمی‌دهند، مخصص است. یعنی در صورتی که ورود شخص در دستگاه، مایه‌ی دفاع از مؤمنین بشود، جایز است. بیش از جواز نمی‌توانیم حکمی صادر کنیم. اینکه اعلام می‌کنیم جایز است، با عنوان اولی، بیان می‌کنیم. ممکن است شرایطی پیش بیاید که حتی دفع ضرر از مؤمنین نیز حکم جواز نمی‌دهد؛ زیرا مفسد بیشتری را در پی خواهد داشت.

روایت دوم از استدلال‌ات شیخ

حدیث سوم همین باب است.

« قَالَ وَ قَالَ الصَّادِقُ ع كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ. »^۲

این روایت نیز مورد استشهداد برای استثنای تولی از قبل جائز آمده است.

^۱ همان، ص ۱۳۸

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۲



روایت از لحاظ سندی

این روایت، چند نقل و سند دارد. یکی همین سند است که از مرسلات مرحوم صدوق (ره) است. منتها این مرسلات دو قسم هستند. مرسلات جازم و غیر جازم. ایشان در جایی می‌فرمایند ربی، و جایی می‌فرمایند: قال. در این مورد سه نظر وجود دارد.

۱. مرسلات صدوق مطلقاً جایز است.

۲. مطلقاً معتبر نیست.

۳. قائل به تفصیل بشویم. اگر صدوق بفرماید ربی، احتمال ندارد. اگر مرحوم صدوق بفرماید قال، اعتبار دارد.

اگر کسی نظر اول و سوم را مورد قبول بداند، سند معتبر است. اما ما، تمایل به نظر دوم هستیم، و مرسلات شیخ قابل قبول نیست.

اما این تعبیر، در روایات دیگر وارد شده است. از جمله در مستدرک، روایت هشتم، به نقلی دیگر بیان شده است.

« وَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: اسْتَأْذَنَ رَجُلٌ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَقَالَ لَا وَلَا قِطْعَةُ قَلَمٍ إِلَّا لِإِعْزَازِ مُؤْمِنٍ أَوْ فَكِّ أَسْرَةٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كَفَّارَةُ أَعْمَالِكُمْ بِالْإِحْسَانِ إِلَى إِخْوَانِكُمْ. »^۱

این روایت نیز از شیخ مفید (ره) است که از لحاظ سندی، اعتبار ندارد.

یک نقل دیگری نیز با همین مضمون وجود دارد.

نقل این حدیث، سه شکل است، از سویی هر کدام از این نقل‌ها نیز، سند معتبری ندارند. از این رو نمی‌توانیم سند را کامل و تام بدانیم.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت چند نکته وجود دارد:

۱. معنای کفاره در روایت

^۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳۱



شماره ثبت: ۳۱۸۹

اولین نکته این است که معنای کفاره چیست؟ کفاره دو معنا دارد.

۱. معنای اصطلاحی است: برداشتن عقاب

۲. معنای لغوی است: کفاره موجب گناه نکردن انسان است.

در این روایت می‌فرماید که حرام بودن ورود به دستگاه ظالم پابرجاست، فقط عقاب آن را برمی‌دارد. این دلیل بر بحث ما نیست.

اگر احتمال دوم را بگیریم، کفاره عمل سلطان این است که دیگر گناهی وجود ندارد. اگر این احتمال را فرض بگیریم، استثناء به قاعده کلیه است. قاعده کلی این است که در دستگاه ظلم وارد نشوید. این استثنا آن را جایز می‌داند.

اگر احتمال اول را بگیریم، استثنا نمی‌خورد، بلکه فقط عقوبت را کم می‌کند.